

دو گزارش از کمپین حمایت از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه

آیت نیافر

سه شنبه هفتم آبان ۱۳۸۷

آیت نیافر، "سخنگوی کمپین حمایتی از کارگران هفت تپه"

این گزارش مندرج در "بولتن کارگری" شماره ۷ از کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری می باشد که قبل از برگزاری انتخابات نمایندگان کارگران طرح نیشکر هفت تپه به نگارش در آمده است.

ضرورت و دستاوردهای کمپین حمایت از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه

مجتمع صنعتی نیشکر هفت تپه، واقع در شهر شوش، استان خوزستان بیش از یک سال است که دچار بحران شده است. بحران اقتصادی در وجود نظام سرمایه داری ریشه دارد و از همه مهمتر دولت جمهوری اسلامی نیز نه تنها برنامه یی برای برون رفت از بحران اقتصادی ندارد، بلکه ویژگی های سیاسی نظام این بحران را تشدید می کند. تلاش دولت در این جهت است که عوارض بحران هرروز شدیدتر از روز قبل به کارگران ایران تحمیل نماید. عقب انداختن حقوقها، پایین نگه داشتن سطح دستمزدها، بازخریدهای اجباری، بیکاری سازیهای دسته جمعی، گرانی رو به افزایش کالاها، به تعطیلی کشاندن کارخانه و کارگاهها، فشار کار بر کارگران شاغل و... خلاصه تمامی تلاش دولت بر این است تا عوارض بحران را بردوش طبقه کارگر گذارده و موجودیت نظام سرمایه داری را تداوم بخشد.

کارگران هفت تپه اینک نمونه بارزی از صدها نمونه زندگی پرمشقتی است که امروزه بر کارگران تحمیل گشته است. به دنبال موارد ذکر شده فوق، کارگران نیشکر هفت تپه از مهرماه سال ۸۶ درگیر این بحران شدند و اعتراضات خود را از درون محل کارشان به بیرون در سطح شهر شوش کشاندند و ۱۶ اردیبهشت ۸۷ دور جدید مبارزاتشان آغاز شد. درگیری میان کارگران و کارفرما از به تعویق انداختن حقوق کارگران آغاز شد و تعدیل نیروی کار، عدم تمدید قراردادهای موقت، کاهش زمان قراردادها از یک سال به چنده ماه و عدم پرداخت حقوق کارگران از جانب کارفرما، بالاخره کارگران را واداشت تا برای دریافت حقوق معوقه خود دست به اعتراض بزنند.

اعتصابهای متوالی، بستن جاده و راه پیمایی در سطح شهر و... اشکال مختلفی از بیان اعتراض کارگران بود. نقطه اوج این اعتراضات که به عنوان یک دستاورد محسوب می شود، آن بود که کارگران مطالبات خود را در تجمعاتی که در خیابان های شهر شوش با صدای بلند اعلام کردند و به نوعی مردم شهر را نیز در حرکت خود دخیل کردند. مطالباتی که از جانب کارگران در سطح شهر خوانده شده و بارها تکرار کردند، شامل:

۱- پرداخت حقوق های معوقه

۲- پرداخت عیدی و پاداش سال ۸۷

۳- افزایش دستمزدها

۴- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل

۵- پرداخت حق ایاب و ذهاب

۶- رسمی شدند کارگران قراردادی

۷- توقف بازخریدهای اجباری

۸- آزادی ایجاد تشکل (سندیکا)

و...

دستاورد دیگر این اعتراضات اعلام موجودیت هیئت مؤسس سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بود.

به دنبال اعتراضات مکرر و پیگیری مطالبات از سوی کارگران، سرکوب پلیس آغاز شد و کار به آن جا رسید که کارگران را که با خانواده هایشان به راه پیمایی پرداخته بودند مورد ضرب و شتم و تعدادی از آنها را دستگیر و بازداشت کردند ، تعدادی نیز روانه بیمارستان شدند.

دستاورد چشم گیر این اعتراضات ، اعلام حمایت و پشتیبانی تعداد کثیری از کارگران کارخانه ها و کارگاه های منطقه از اعتراضات و مطالبات کارگران هفت تپه بود و این عمل نیز یک پیروزی دیگر برای جنبش کارگری ایران است.

اعلام کمپین حمایت از کارگران هفت تپه به دنبال اوج گیری سرکوب پلیس و عدم توجه دولت و کارفرما به مطالبات کارگران انجام گرفت. نپرداختن حقوق های معوقه سال ۸۷ و ماه های آخر سال ۸۶ یک فاجعه انسانی را در شهر شوش نشانه رفته بود. حقوق معوقه کارگران هفت تپه نزدیک بر یک میلیارد و سیصد ، الی چهارصد میلیون تومان بالغ می شد . عدم پرداخت آن به معنای فلج شدن زندگی در شهر شوش بود . دولت و سازمان های مربوطه و کارفرمایان کمترین توجهی به این امر نشان ندادند ، بلکه پلیس تا دندان مسلح ضد شورش را به سراغ مردم و کارگران اعتراضی گسیل داشتند که این موقعیت ویژه، نیاز به یک حمایت جدی کلیه اقشار مردم و به ویژه طبقه کارگر ایران و جهان از کارگران هفت تپه را داشت. با توجه به این موقعیت خاص بود که کمیته پیگیری اعلام کمپین حمایتی کرد. کمپین ابتدا تبلیغات وسیع و گسترده رسانه ای را در دستور کار خود گذاشت و سپس روش های حمایتی را پیشنهاد داد و در مرحله سوم دست به اقدامات عملی زد که شامل جمع آوری کمک مالی و جلب حمایت فردی یا جمعی کارگران از طریق جمع آوری امضاء می شد.

اعلام کمپین پس از چند روز به خبر اول سایت ها و خبرگزاری ها، سازمان ها و اتحادیه های کارگری ایران و جهان بدل شد و درخواست مصاحبه با مسوولین کمپین شدت گرفت. در همین راستا تجمع هایی در شهرهای مختلف از سوی سازمان ها و اتحادیه های کارگری به وقوع پیوست. اولین پاسخ به این کمپین حمایت خود کارگران هفت تپه توسط سندیکاری تازه تاسیس شده آنان بود و سپس کارگران ایران خودرو و دیگر کارگران و فعالین کارگری و تشکل های موجود کارگری بود که عملاً به این کمپین پیوستند . گل گشتهایی به همین مناسبت ترتیب داده و در آن اقدام به جمع آوری کمک مالی شد. هم چنین توزیع ۴۰۰۰ اطلاعیه در دو شماره که گزارش کمپین و وضعیت کارگران هفت تپه بود که در سطح تهران انجام شد. جمع آوری کمک مالی توسط فعالین کارگری ، جانی دوباره به کمپین دمید. ارسال نامه های سرگشاده از سوی اتحادیه ها و سازمان های کارگری به مقامات حکومت از جمله اقدام هایی بود که تحت تاثیر کمپین انجام گرفت. مجموع این اقدامات ، کارفرمایان هفت تپه را واداشت تا حقوق یک ماه کارگران را بپردازند و از آنها درخواست دو هفته مهلت و بازگشت به کار شد. وقتی این فرصت تمام شد و کارفرما به قولش وفا نکرد ، مجدداً

کارگران به خیابان‌ها بازگشتند و مقاومت از قبل، اعتراضات خود را ادامه دادند. در پی این اعتراضات حقوق یک ماه دیگر را دریافت کرده و به کارشان بازگشتند.

متأسفانه بعضی تشکل‌ها و فعالین کارگری که می‌توانستند بیشتر و فعالتر در این کمپین شرکت کنند و با این تلاش خود کارگران هفت تپه را به طور خاص و جنبش کارگری را به طور عام منتفع سازند، منفعلانه برخورد کردند.

در هر صورت ما از تلاش تمامی دوستانی که در هر جا توانستند، در جهت کمپین گامی بردارند، سپاسگزاریم... البته ما از کارمان نتایج بیشتری انتظار داشتیم، متأسفانه برآورده نشد اما در همین حد که ضرورت کمپین احساس شد و اقداماتی انجام گرفت، برای کارگران هفت تپه سودمند واقع شد و جنبش کارگری تجربه پیروزمندی را پشت سر گذاشت. کمپین حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه تا زمانی که این کارگران به کلیه مطالباتشان دست نیافته باشند، هم چنان ادامه دارد و ما بر آن پافشاری می‌کنیم.

پیرامون کمپین حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه

تهیه تومار و جمع آوری امضاء در کمپین حمایت از کارگران اعتصابی هفت تپه، از نکات مورد توجه خبرنگاران بود. جمع آوری امضاء سال‌ها پیش به عنوان یک ابزار مبارزاتی برای دستیابی به مطالبات کارگران تبدیل شد. البته باید متذکر شوم که جمع آوری امضاء در بعضی موارد لبه تیز مبارزاتی و اعتراضی را کند می‌کند با این حال این روش هم چنان به کار گرفته می‌شود و اثرات مثبتی نیز بر جای گذاشته است. از جمله نکات مثبتی که باید آن را تقویت کرد. نقش رسانه ای است که تومار انجام می‌دهد. در واقع طبقه کارگر ایران از رسانه‌های خاص خود محروم است، طبقات و اقشار دیگر جامعه رسانه‌های گوناگون در اختیار دارند. از رادیو تلویزیون گرفته، تا روزنامه‌های محلی، هفته‌نامه‌ها و فصل‌نامه‌هایی که مثلاً پزشکان دارند و یا مهندسان، یا سینماگران، یا اتحادیه‌های کارفرمایان و صنوف دارند. خود طبقه بورژوازی با استفاده از دستگاه حکومتی و دولتی که بودجه‌های میلیاردی را به خود اختصاص می‌دهد. از نظر رسانه‌ای قدرتی بی‌نظیر دارد. متأسفانه طبقه کارگر ایران از هیچ امکانی برای بهره‌مندی قانونی و رسمی از رسانه‌های گروهی برخوردار نیست. حتی فاقد یک ماهنامه و سالنامه رسمی است.

دولت سرمایه‌داری، طبقه کارگر ایران را از داشتن این امکان محروم کرده تا جایی که نشر یک برگه را از جانب کارگران جرم می‌داند و به شدت با آن مقابله می‌کند و تحت پیگرد و بازداشت قرار می‌دهد. عدم وجود چنین ابزار رسانه‌یی، موجب آن می‌شود که حرکت‌های اعتراضی، اعتصابات، حوادث ناشی از فشار کار، خودکشی‌ها و دیگر اخباری که باید طبقه کارگر از آن مطلع شوند منعکس نشده و اخبار اعتراضات کارگری در محل کارشان، در شهر و خانواده‌های خودشان حبس شود و دیگر کارگران از این اعتراضات بی‌خبر بمانند و در اذهان کارگران چنین وانمود می‌کنند که "کارگران با هم متحد نیستند" و "اعتراضات کارگران موفق نیست" یا "کارگران خاموش هستند و همیشه سرکوب می‌شوند".

و اما روی دیگر سکه "جمع آوری امضاء" این امکان را به طبقه کارگر می‌دهد که اولاً با دیدن تومار از یک جنبش اعتراضی و جاری مطلع شوند، دوماً مشارکت دادن عملی دیگر کارگران در حمایت از هم طبقه‌هایشان می‌شود، سوماً سر نخ‌ها به امضاءکنندگان می‌دهد که به اقدامات عملی تری فکر کنند و تشویق به یک حرکت سراسری اعتراضی می‌شوند. ما با این تفکر به "تومار امضاء" می‌نگریم و با همین اندیشه جمع آوری تومار امضاء را در دستور کار

خود قرار دادیم.

لازم است نکاتی را نیز در مورد جمع آوری کمک مالی که در این کمپین مورد بحث پرسشگران و خبرنگاران بود توضیح دهیم .

بعضی از دوستان خبرنگار و غیرخبرنگار به حرکت ما تردید دارند و می گویند که این کمپین حمایتی مگر چه مقدار می تواند کمک مالی جمع آوری کند؟ وقتی حقوق یک ماه کارگران نیشکر هفت تپه بالغ بر یک میلیارد و سیصد، چهارصد میلیون تومان است، کمک ناچیز کمپین چه اثری در زندگی کارگران می تواند داشته باشد؟!

جمع آوری کمک مالی، یک ابزاری حمایتی از کارگران اعتصابی در تاریخ جنبش کارگری بوده است. اگر این عمل را غیر از این ببینیم، کاملاً دچار تردید فوق می شویم و نتیجه آن هم در یک کلام یاس و ناامیدی است. این نگاه تردید ساز به نوعی ابزاری تبلیغاتی برای دستگاه های دولت و کارفرمایان علیه این گونه اقدامات کارگران به شمار می رود.

اگر کمیت کمک مالی گردآوری شده را با مجموع حقوق کارگران مقایسه کنیم، چنین به نظر خواهد رسید که " آب در هاون کوبیدن است" و یا به واکنش های فوق می رسیم. بدیهی است که ما به کمیت مبلغ توجه داریم و تمام تلاش ما آن است که این کمک مالی هر چه بیشتر باشد، چرا که ما را به کیفیت مورد نظرمان نیز نزدیک تر می کند. این آرزوی ما و همه هم فکran ما است که بتوانیم عین حقوق ماهانه یک کارخانه را که کارگران آن در اعتصاب به سر می برند، تهیه کنیم تا کارگران بتوانند جهت دست یابی به خواسته های خود تا به آخر مقاومت کنند و پیروز شوند.

ما در تاریخ جنبش کارگری، این امر مهم را بسیار تجربه کرده ایم که آنچه کارگران را وادار به بازگشت به کار می کند، بدون آن که خواسته هایشان متحقق شده باشد، همان نان است. هزینه زندگی است که چند ماه روی هم تلنبار شده، بدهی سه ماه کرایه خانه، بدهی به تمام اقوام و آشنایان (اگر کسانی این گونه افراد را دم دست خود داشته باشند تا قرض دستی بگیرند)، سه ماه بی پولی کل خانواده را زیر فشار می گذارد. کارگر اعتصابی از همه طرف به خاطر اعتصابش سرزنش می شود. این واقعیتی است که کارگر اعتصابی در آن به سر می برند.

به گرسنگی کشاندن کارگران و خانواده هایشان، یک ابزار آشکار غیرانسانی است که کارفرمایان و دولت های سرمایه داری بر علیه کارگران اعتصابی به کار می گیرند. اقدام به جمع آوری کمک مالی، دقیقاً برای مقابله با مصایب و مشکلات برشمرده فوق است که ما و دیگر کارگران و سازمان های کارگری بر آن تاکید ویژه دارند. جمع آوری کمک مالی، اشاره ای است نزدیک و واقعی به دیگر کارگرانی که حقوقشان را دریافت کرده اند. به نوعی به آن ها گفته می شود که این وضعیت برای هر کارگری همیشه ممکن است پیش آید. اما مسئله در وهله اول مقدار کمک ها نیست. مسئله توضیح و مطلع کردن کارگران از موقعیت ویژه هم طبقه ای هایشان است. جمع آوری کمک مالی یک عامل تحریک خارجی است که به کارگران مشغول به کار وارد می شود که باید به کمک کارگران اعتراضی، که هم طبقه ای هایشان هستند، بشتابند. آنها برای امری مبارزه می کنند و در حال تعرض هستند که ممکن است مطالبه همین امروز هر کارگری باشد. امر جمع آوری کمک مالی، اعلام همدلی و اعلام عملی حمایت است. امری که کارگران را به هم نزدیک می کند.

غیر از موارد فوق مسائل عاجلی در میان کارگران اعتصابی وجود دارد که هر آن می رود تا کارگرانی و یا بخش هایی از آنان را به اعتصاب شکنی تشویق کند. مثلاً کارگر اعتصابی که بیماری روی تخت بیمارستان دارد و نیاز

فوری به عمل جراحی دارد و یا دارویی که برای فرد بیمار حیاتی است و یا کارگری که تحت فشار صاحب خانه است که فشار روانی آن شخص دست کمی از فشار کارفرما و پلیس ندارد. این کمک های هر چند ناچیز، حداقل می تواند شرایط خاص فشار را از بخشی از کارگران دور کند و به آن ها امکان بدهد که در ادامه مبارزه و اعتصابشان مصمم تر باشند و یا کمک های ناچیز حداقل می تواند یک وعده غذا به یکسان برای همه خانواده کارگران تامین کند و از سوی دیگر کارگر اعتصابی و خانواده اش عملاً تجربه می کنند که آنها تنها نیستند. انسان هایی مانند خودشان در کنارشان هستند و به این طریق می گویند، رفیق کار تو درست است، ما در کنارت هستیم و کمک اندک کارگران حداقل می تواند موارد اورژانسی در میان اعتصابیون را پاسخ دهد.

گذشته از همه اینها، مسئله مهمتر آن است که روش کمیته پیگیری، یعنی جمع آوری کمک مالی برای اعتصابیون، در میان فعالان کارگری پذیرفته شده و آنها نیز به این کار مبادرت ورزند، آنگاه خواهیم دید که قطره ها چگونه دریا می شود.

آیت نیافر (سخنگوی کمپین حمایتی از کارگران هفت تپه)

سلام دمکرات- ۶ آبان ۱۳۸۷